

## اعتصاب کارگران شرکت واحد: کاستی ها ، تجارب و راه کارها

پیش از پرداختن به اعتصاب اخیر کارگران شرکت واحد، بی مناسبت نیست اگر به پروسه شکل گیری یا احیای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، ولو به اختصار نگاهی بیافکنیم.

اگر چه رژیم جمهوری اسلامی از همان ماه های اولیه روی کار آمدن خود به سرکوب و قلع و قمع تشکل های کارگری پرداخت اما کارگران هیچ گاه از کوشش برای ایجاد تشکل های واقعی خود باز نایستادند. بعد از باز شدن پای سازمان بین المللی کار به جمهوری اسلامی در سال ۸۱، بر تلاش کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری و کسب حق ایجاد تشکل، به نحو محسوسی افزوده شد. با نهائی شدن توافقات آی ال او با وزارت کار دولت "اصلاحات" در اوائل سال ۸۲، دامنه این کوشش ها و ره جوئی ها باز هم افزایش یافت. گرایشی در درون جنبش کارگری که دستور کارش ایجاد یا احیای سندیکاهای کارگری بود و آن را به نحوی از انحاء تابع این رویدادها می ساخت و به آن گره می زد و بعضا به توهماتی نسبت به وزارت کار و سایر نهادهای دولتی نیز آلوده بود، بعد از پایان کار "اصلاحات" و سپری کردن یک دوره جنگ و جدال که باذوب بخش هائی از یخ توهم نیز توأم بود، به تجربه دریافت که نباید در انتظار یاری و مساعدت مقامات و نهادهای دولتی بنشیند تا ایشان به رفع ممنوعیت از تشکل های مستقل کارگری از جمله تشکیل سندیکا اقدام نمایند و برای آن مجوز صادر کنند. پروسه ایجاد سندیکا و یا تشکل های مستقل کارگری در جمهوری اسلامی از این کانال طی شدنی نیست، بلکه تشکل مستقل کارگری و سندیکای کارگری را باید به نیروی خود کارگران بنا نهاد و کارگران شرکت واحد نیز نهایتا چنین کردند. کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه که کار طولانی مدتی را جهت تشکیل سندیکای خود آغاز کرده بودند، چند روز قبل از برگزاری نخستین مجمع عمومی و اعلام موجودیت سندیکای خود، در تاریخ ۸۴/۲/۱۹ مورد یورش وحشیانه و ضرب و شتم اوباشان و چماق داران شوراهای اسلامی و خانه کارگر قرار گرفتند. خانه کارگر و شوارهای اسلامی کار، با این اقدام آشکارا جنایت کارانه، بار دیگر ماهیت کثیف و ارتجاعی خود را به مثابه ابزاری در دست ارتجاع حاکم جهت سرکوب کارگران به نمایش گذاشتند. اینان البته دل پری از دست کارگران و فعالان کارگری از جمله فعالان سندیکائی داشتند. کارگران در مراسم نمایشی خانه کارگر به مناسبت اول ماه مه در ورزشگاه آزادی که در واقع امر مراسم تبلیغات انتخاباتی به نفع رفسنجانی، بود حسابی درخشیدند و با هو کردن دستجمعی مزدوران و سردادن شعارهائی علیه خانه کارگر، علیه شوراهای اسلامی، علیه رفسنجانی و علیه سرمایه داران و همچنین با طرح مطالبات خود، نقشه های محجوب و صادقی رانقش برآب کردند و این مراسم نمایشی را به ضد خود، تبدیل ساختند. بدین وسیله کارگران، به اعتراف مزدوران خانه کارگر نه فقط بر شقیقه خانه کارگر شلیک کردند، بلکه تودهنی محکمی به سرکرده آنها رفسنجانی مرتجع نیز زدند. در هر حال یورش ددمنشانه به محل تجمع کارگران شرکت واحد و چاقوکشی اوباشان علیه کارگران و حتا بریدن زبان اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا، هیچ کدام نتوانست در عزم کارگران به تشکیل سندیکای خود خللی وارد سازد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، باحضور صدها کارگر در همان نخستین مجمع عمومی خود که روز ۸۴/۲/۲۳ در خیابان و در برابر محلی که به اشغال نیروهای سرکوب و انتظامی درآمده بود برگزار شد، عملا موجودیت یافت. پاسخ صریح جمهوری اسلامی به کوشش های بعدی کارگران برای به رسمیت شناختن سندیکا، رسیدگی به سایر خواست ها و احقاق حقوق کارگران، چیزی جز اعراب و احضار پی در پی فعالان کارگری به دفتر حراست ، تهدید و اخراج، بازداشت، جابه جایی و انتقال فعالان کارگری به مناطق دور دست، قطع برخی از دریافتی ها و اضافه کاری ها و امثال آن نبود.

ماحصل مبارزه و رودر روئی هر روزه با کارفرما و عوامل و ارگان های رنگارنگ رژیم، کارگران شرکت واحد را پیش از پیش به ضرورت اتخاذ شیوه های متمر ثمرتر مبارزه می کشاند. این که حق گرفتاری است و نه دادنی و این که برای گرفتن حق نباید هراسی به دل راه داد، در اطلاعیه ها و مطالبی که از سوی سندیکا و رانندگان مناطق مختلف انتشار می یافت، مدام پر رنگ تر می شد. در عین حال سندیکای کارگران شرکت واحد با به کار بستن دو ابتکار عمل و اقدام اعتراضی ساده اما بسیار جالب، مسئله کارگران شرکت واحد را در ابعاد وسیعی به میان مردم برد. کارگران با اقدام سمبلیک روشن کردن چراغ اتوبوس ها و نگرفتن بلیط از مسافرین، توانستند همدردی و حمایت معنوی بخش بزرگی از اقشار مردم زحمتکش تهران را جلب کنند تا بر زمینه آن، اقدامات بعدی خود را بارور سازند.

معهدا رژیم و عمال رنگارنگ آن نیز بیکار ننشسته بودند، رژیم نه تنها هیچیک از خواست های کارگران را برآورده نساخت، و نه تنها از بازگشت به کار کارگران اخراجی امتناع کرد، بلکه در عین دادن یک مشت وعده های توخالی و سرخرمن بر شدت فشار بر کارگران افزود و علاوه بر آن حتا با پخش شایعات و دروغ پردازی کوشش نمود وحدت کارگران را درهم بشکند و وروحیه آنها را تضعیف کند.

وقتی که سندیکای کارگران شرکت واحد گزارشی از پروسه مذاکرات خود با مدیریت شرکت واحد و مقامات و نهادهای دولتی را انتشار داد و وعده های دروغین و تلاش های مذبحانه آنان را برملا ساخت، و هشدار داد چنان چه به خواست کارگران رسیدگی نشود، به اعتصاب روی خواهد آورد، جریان رودر روئی کارگران با مدیریت شرکت واحد راعملا وارد فاز جدیدی ساخت. رژیم جمهوری اسلامی نیز فوراً دست به کار شد و روز یکم دی ماه ۸ تن از فعالین سندیکای

کارگران را به اتهام تشکیل سندیکا و برپائی اعتصاب دستگیر و روانه زندان ساخت. در اعتراض به دستگیری اعضای هیئت مدیره و باخواست آزادی آنها، کارگران روز ۴ دی ماه دست به اعتصاب زدند. هزاران کارگر شرکت واحد از بامداد روز یکشنبه دست از کار کشیدند و با تجمع در مناطق ده گانه تهران، امر ترافیک در مرکز شهر و خیابانهای اصلی تهران عملاً مختل شد. جمهوری اسلامی در هراس از گسترش اعتصاب کارگران شرکت واحد در پایتختی که مردم زحمتکش آن هر آینه ممکن بود دست به اعتراض و شورش بزنند و علائمی دال بر حمایت خود از کارگران نیز نشان داده بودند، با دست پاچگی و سراسیمگی ویژه ای سعی کرد هر چه زودتر مسئله را فیصله دهد.

با آزادی اعضای دستگیر شده به جز منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا، و اعزام فوری قالیباف شهردار تهران به جمع اعتصاب کنندگان که نام برده نیز وعده داد ظرف سه هفته به خواست های کارگران رسیدگی نموده و اسانلو را آزاد کند، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه نیز پایان اعتصاب را اعلام نمود. سندیکای کارگران شرکت واحد، با کار آگاه گرانه و سازماندهی شده، اعتصاب ۴ دی را تدارک دیده و توانسته بود بخش زیادی از کارگران را بسیج نماید و کارفرما و حامیان آن را غافلگیر کند، اما متأسفانه در برابر وعده های رژیم و عوامل آن عجولانه عقب نشست. سندیکای کارگران شرکت واحد که نیروی عظیم کارگران را پشت سر خود داشت، با ایستادگی و مقاومت بیشتر چه بسا می توانست مسئولین شرکت واحد و دولت را به عقب نشینی وادار نموده و پاره ای از مطالبات خود را نیز متحقق سازد، اما با اعلام فوری ختم اعتصاب نه تنها یک موقعیت مناسب را از کف داد بلکه اردوی مقابل نیز فرصت یافت تا خود را برای مقابله با کارگران و یک سرکوب تدارک دیده شده، آماده سازد.

سندیکای شرکت واحد البته بلافاصله به دروغ ها و وعده های توخالی شهردار تهران و سایر مسئولین مربوطه و نهادهای دولتی پی برد و بر این پایه دوباره به اعتصاب روی آورد. سندیکای کارگران شرکت واحد با صدور فراخوانی در ۸/۱۱/۸۴، از تمامی کارگران شیفت صبح و عصر مناطق ده گانه تهران خواست تا از اول صبح روز ۸/۱۱/۸۴ دست از کار بکشند و با تجمع در مناطق ده گانه، تا آزادی منصور اسانلو، به رسمیت شناختن سندیکا و انعقاد پیمان دستجمعی به اعتصاب ادامه دهند.

با انتشار فراخوان اعتصاب، رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی رهبران و فعالین سندیکا را بیش از پیش تحت فشار گذاشت و بلافاصله شش تن از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد را بازداشت و روانه زندان و بقیه آن ها را به دادگاه احضار نمود.

جمهوری اسلامی که از تصمیم کارگران به اعتصاب به شدت به وحشت افتاده بود، تمامی تلاش های مذبوحانه خود را برای لغو تصمیم کارگران و اعتصاب به کار بست.

به انتشار اطلاعیه های مجعول و لجن پراکنی علیه کارگران پرداخت، کارگران را یک عده ”خرابکار“ و ”ضدانقلاب“ خواند، مزدوران خود در خانه کارگر و شوارهای اسلامی را به میدان فرستاد تا علیه سندیکا سمپاشی کنند و بگویند اعتصابی در کار نیست. یورش های شبانه به خانه کارگران، ضرب و شتم اعضای خانواده کارگران و بازداشت ها و دستگیری های وسیع را سازمان داد. دست به گروگان گیری زد و فضای رعب و وحشت ایجاد کرد. به نیرنگ های مختلف برای ایجاد نفاق و دودستگی در میان کارگران متوسل شد و درکنار اینها باز هم وعده های توخالی!

اما هیچیک از این اقدامات وحشیانه و عوامفریبانه کارساز نیفتاد. کارگران و اعضای هیئت مدیره و فعالان سندیکا، هوشیارانه و استوار بر سر تصمیم خود ایستادند و بارها شجاعانه اعلام و تاکید کردند که از تهدید و زندان هراسی ندارند و تا آخرین نفس و آخرین قطره خون برای کسب حقوق و تحقق مطالبات خود به مبارزه ادامه خواهند داد.

اما رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی در فاصله دواعتصاب خود را از هر لحاظ برای مقابله جدی با کارگران و خنثا ساختن اثرات اعتصاب کارگران آماده ساخته بود. مناطق ده گانه تهران یعنی محل تجمع کارگران را پیش از شروع اعتصاب به اشغال خود در آورده و انبوهی از نیروهای گارد ویژه و دیگر نیروهای سرکوب و مزدوران امنیتی خود را در این مناطق مستقر ساخته بود. نیروهای امنیتی و حراست شرکت واحد با همکاری خانه کارگر در سطح وسیعی فعالان کارگری را شناسائی و دستگیر نموده و از همان جا روانه زندان کردند. با آغاز اعتصاب و تجمع کارگران، یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر به صفوف کارگران آغاز شد. با پرتاب گاز اشک آور به میان کارگران، ضرب و شتم کارگران، دستگیری های وسیع و انتقال بیش از ۱۲۰۰ تن از کارگران به زندان از طریق اتوبوس ها و مینی بوس هائی که از قبل در محل آماده بود، کارگران را سرکوب و اعتصاب را درهم شکستند. افزون بر این، به رغم زندانی شدن این تعداد کثیر از کارگران، جمهوری اسلامی برای پر کردن جای خالی آنان نیز تدارک دیده بود و توانست نیروی جایگزین دستگیرشدگان را از جمله از میان نیروهای بسیج، سپاه و سایر مزدوران خود تامین و اثرات اعتصاب یا غیبت کارگران شرکت واحد را نیز خنثا کند!

هم اکنون کارگران بازداشتی، فعالین و رهبران سندیکا را از همه سو تحت فشار گذاشته اند. بی آن که اخراج دستجمعی کارگران را اعلام کرده باشند، از بازگشت به کار کارگران پس از آزادی از زندان ممانعت به عمل آمده است. سندیکای کارگران کماکان غیرقانونی خوانده شده است. کارگران شرکت واحد پس از چند ماه درگیری مداوم با مسئولین شرکت و حامیان آنها، نه تنها به خواست های پیشین خود نرسیدند، بلکه خواست آزادی تمام دستگیر شدگان و خواست بازگشت به کار و تضمین شغلی کارگران نیز به خواست های پیشین آنان افزوده شده است.

معهدا باید بر این مسئله تاکید نمود که مجموعه این رویدادها به هیچ وجه نه از اهمیت عظیم و جایگاه بسیار مهم

اعتصاب کارگران شرکت واحد در جنبش کارگری می‌کاهد و نه نفی‌کننده تجارب بسیار مهم حاصله، به ویژه راه کارهایی است که این اعتصاب فراروی جنبش کارگری و فعالان کارگری قرار می‌دهد.

قبل از هر چیز روحیه اتحاد و همبستگی کارگری به ویژه روحیه رزمندگی که کارگران شرکت واحد و فعالان سندیکای آنها، در این اعتصاب و رودررویی از خود به نمایش گذاشتند، بسیار بالا، کم نظیر و درخور ستایش است. سازماندهی یک اعتصاب بزرگ چند هزار نفره، ابتکار و توانایی کارگران در جلب حمایت سایر اقشار مردم، ورود گسترده اعضای خانواده کارگران به صحنه مبارزه، گستردگی ابعاد و دامنه دستگیری‌ها و ارباب‌ها و به رغم آن مقاومت و اصرار رهبران و فعالان سندیکا به ادامه مبارزه و پی‌گیری مطالبات کارگران، توانایی و پشتکار آنان در برقراری تماس‌ها و پوشش دادن رسانه‌های خبری علی‌رغم تمامی محدودیت‌ها، ورود دهها و صدها فعال سندیکایی به صحنه که با دستگیری هر عضو هیئت مدیره یا فعال سندیکایی، بلافاصله اعضای فعال دیگری جای آن‌ها را پر کرده و امر مبارزه را پیش می‌بردند، اینها نکاتی است که جنبش کارگری ایران لااقل در بیست سال گذشته و در این ابعاد شاهد آن نبوده است. اعتصاب کارگران شرکت واحد مستقل از نتایج آن، به عنوان یک نقطه درخشان و فرازی جدید در تاریخ جنبش کارگری ایران ثبت خواهد شد.

اعتصاب کارگران شرکت واحد، به دورانی که برخی از کارگران این بخش هنوز بر این باور بودند که ممکن است وزارت کار و سایر نهادهای رژیم در برپائی تشکل سندیکایی به آنها یاری کنند و سندیکای آنها را به رسمیت بشناسند، خاتمه داد. کارگران شرکت واحد امروز به تجربه دریافته‌اند، مراجعه به وزارت کار و مقامات و نهادهای دولتی بدین منظور بی‌فایده است. جریان مبارزه و اعتصابات کارگران شرکت واحد، مکرراً این موضوع را به اثبات رساند که به هیچ عنوان نباید به وعده‌های قلبی نهادها و سران رژیم اعتماد کنند. آنان باید تنها و تنها روی نیروی خود حساب کنند و تشکلی را که به نیروی خود ساخته‌اند، با نیروی اتحاد خود، با استمرار فعالیت و مبارزه خود و با جلب حمایت سایر کارگران حفظ نمایند. کوشش‌های دو سه ساله اخیر کارگران شرکت واحد برای برپائی سندیکای خود، پس از افت و خیزها و مبارزه‌ای پرفراز و نشیب، سرانجام به بار نشست است. اعتصاب کارگران شرکت واحد به روشنی نشان داد که کارگران این بخش، چه از نظر آگاهی و چه از نظر تشکل‌یابی، نه تنها در جایگاه دو سال قبل نیستند و نه فقط به اندازه دو سال، بلکه در این دو سال به اندازه دو دهه پیشرفت داشته‌اند. پروسه فعالیت‌ها و مبارزات کارگران در طی این دوره با رشد چشمگیر آگاهی طبقاتی کارگران، رشد همبستگی و تشکل در صفوف آنها همراه بوده است. کارگران شرکت واحد امروز به تجربه دریافته‌اند که رژیم جمهوری اسلامی با هر تشکل واقعی و مستقل کارگری ولو چنین تشکلی بخواهد صرفاً برای خواست‌های صنفی و اقتصادی کارگران هم فعالیت و مبارزه نماید، مخالف است و آن را برنمی‌تابد.

اعتصاب کارگران شرکت واحد بار دیگر بر این واقعیت صحنه گذاشت که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، دیوار چینی میان مبارزه و خواست سیاسی و مبارزه و خواست صنفی و اقتصادی وجود ندارد. بنا به خصلت ارتجاعی و ساختار ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی، هر مبارزه صنفی و طرح هر مطالبه اقتصادی به فوریت می‌تواند به یک مبارزه سیاسی و طرح مطالبات سیاسی فرابریود. جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام سیاسی سرکوبگر، مخالف آزادی‌های سیاسی است و حق هیچ‌گونه اعتصاب و اعتراضی را به رسمیت نمی‌شناسد. همین که کارگران برای صنفی‌ترین مطالبات خود، دست به اعتصاب و اعتراض بزنند، معیارهای قانونی رژیم را زیر سؤال برده‌اند. در این جاست که دولت به عنوان نماینده کل طبقه سرمایه‌دار به مقابله با کارگران بر می‌خیزد. و این چیزی جز یک مبارزه سیاسی نیست. از این گذشته حق تشکل و داشتن سندیکا، اصولاً یک مطالبه سیاسی است هر چند این تشکل بخواهد، تنها به طرح خواست‌های صنفی و اقتصادی کارگران بپردازد. بنابراین نباید بر این تصور واهی دامن زد که گویا اگر که کارگران صرفاً تشکل صنفی ایجاد کنند و از طرح خواست‌های سیاسی امتناع و دوری کنند، رژیم جمهوری اسلامی هم تشکل صنفی آنها را به رسمیت می‌شناسد و دست به سرکوب فعالیت‌ها و مبارزات کارگران نمی‌زند. کما این که شاهد بودیم با وجود آن که فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد، بارها اعلام کردند، تشکل آنها یک تشکل صنفی است و مطالبات آنها نیز صرفاً مطالبات صنفی و اقتصادی است، اما این موضوع هیچ تغییری در ماهیت سرکوبگرانه جمهوری اسلامی ایجاد نکرد و ذره‌ای از ابعاد اقدامات پلیسی و خشونت‌آمیز دولت علیه کارگران نکاست.

### دو نیاز حیاتی پیشرفت جنبش کارگری

اعتصاب کارگران شرکت واحد یک اعتصاب سازماندهی شده بزرگ و بی‌مانند بود که جنبش کارگری لااقل در دو دهه اخیر چنین اعتصابی را به خود ندیده است. نفس چنین اعتصابی، جنبش کارگری را در کلیت خود گام دیگری به جلو سوق داد. جلوتر رفتن جنبش کارگری به فرض ثابت گرفتن فاکتورهای دیگر، در گرو تامین دو نیاز حیاتی جنبش کارگری است.

از مهم‌ترین نکات مثبت اعتصاب کارگران شرکت واحد، یکی این بود که سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد توانسته بود توده وسیع کارگران را بسیج نموده و به عرصه مبارزه بکشانند. کارگران شرکت واحد همچنین توانستند حمایت معنوی بسیاری از کارگران و اقشار مردم زحمتکش تهران را نیز به خود جلب کنند. از سوی دیگر کارگران

پیشرو متشکل در کارخانه ها و تشکل های مختلف کارگری با صدور اطلاعیه ها و بیانیه های متعددی به حمایت از اعتصاب و مطالبات کارگران شرکت واحد برخاستند. تشکل های مختلف و متعدد دانشجویی، کانون نویسندگان ایران، سازمان ها و احزاب سیاسی چپ رادیکال و برخی رادیوها نیز از اعتصاب و مطالبات کارگران شرکت واحد حمایت کردند. در سطح بین المللی نیز بسیاری از اتحادیه های کارگری، احزاب و سازمان های چپ و دمکراتیک از کارگران شرکت واحد و مطالبات آنان پشتیبانی کردند. این اقدامات حمایت آمیز اگرچه بسیار به جا، ضروری، مفید و برای اعتصاب کنندگان دلگرم کننده بود، اما برای پیشرفت جنبش کارگری به هیچ وجه کافی نبود و کافی نیست. صدور اطلاعیه و بیانیه حمایت آمیز هیچ گونه فشار و یا اجباری برای رژیم فرضا جهت پاسخ دادن به مطالبات کارگران ایجاد نمی کند و تاثیر قاطعی در این زمینه برجای نمی گذارد. تنها ممکن است رژیم جمهوری اسلامی از لحاظ سیاسی اندکی تحت فشار قرار بگیرد. مادام که حمایت های معنوی و کاغذی به یک حمایت مادی از طریق سازماندهی اعتصاب در سایر بخش ها و واحدهای تولیدی فراروید، رژیم جمهوری اسلامی هم می تواند فشار سیاسی را تحمل کند و از تحقق مطالبات کارگران طفره رود. اما اگر اعتصاب کارگران شرکت واحد را یک سلسله اعتصابات دیگر فرضا در ایران خودرو، در ماشین سازی، در نفت، در برق و امثال آن تکمیل کند، اینجا دیگر جمهوری اسلامی نمی تواند از کنار آن بی اعتنا بگذرد. یا باید به خواست کارگران گردن بگذارد، که این، یعنی پیروزی کارگران و پیشرفت گام به گام جنبش کارگری، یا سرکوب کارگران را پیشه کند. اما سرکوب کارگران در مقیاس سراسری اولاً آنقدرها هم آسان نیست، ثانیاً اگر جمهوری اسلامی چنین کند به ناگزیر از این طریق بحران سیاسی در یک بخش و کارخانه را به عرصه تمام جامعه می کشاند و زمینه را برای ورود به مراحل عالی تر مبارزه و یک اعتصاب عمومی سیاسی فراهم می سازد که این هم به نفع پیشرفت جنبش کارگری است.

نیاز حیاتی دیگر جنبش کارگری در لحظه کنونی، داشتن یک صندوق اعتصاب است. اعتصاب کارگران شرکت واحد، به ویژه جلوگیری از بازگشت به کار کارگران، بسیاری از کارگران و اعضای خانواده آنها را بامشکلات عدیده مالی و معیشتی روبرو ساخت. صرف نظر از مخارج آب و برق و اجاره خانه و امثال آن که سر موقع باید پرداخت شود، برخی خانواده های کارگری حتا از تامین حداقل مواد خوراکی نیز عاجز شدند.

هر اعتصاب کارگری چنان چه مدتی به درازا بکشد عواقب و فشارهای متعدد اقتصادی و معیشتی برای کارگران به دنبال دارد. هر اعتصابی می تواند اخراج و بیکاری شماری از کارگران را در پی داشته باشد. کارگری که اخراج می شود یا کارگر اعتصابی که دستمزدش را نگرفته است، در هر حال باید نیازهای زندگی اش را تامین کند و قبل از هر چیز نمی تواند گرسنه بماند و باید شکم خود و اعضای خانواده اش را سیر کند. شرایط واقعی مبارزه و رودررویی با کارفرما بدین گونه است، یا باید اعتصاب را بشکنند و به شرایط خفت بار کارفرما تن دهد و برای دریافت دستمزد، دوباره کار را آغاز کند و یا برای تداوم اعتصاب و تضمین پیروزی آن، باید از یک منبع مالی مورد اعتماد و متعلق به خود کارگران یعنی از محل صندوق اعتصاب تامین شود. کارگران ایران از این منبع مالی محروم اند و این محرومیت تاکنون نیز لطمات جبران ناپذیری بر مبارزات آنها و بر جنبش کارگری وارد ساخته و یکی از موانع پیشرفت آن بوده است. بنابراین ایجاد صندوق اعتصاب یکی از نیازهای حیاتی جنبش کارگری در لحظه کنونی است. ایجاد صندوق اعتصاب یکی از مبرم ترین مسائل عملی است که هر فعال کارگری و هر نیروی سوسیالیست مدافع طبقه کارگر باید برای ایجاد آن تلاش کند. یک صندوق اعتصاب نیرومند و فراگیر به معنای فرارفتن از چارچوب های فردی، محفلی و گروهی که به این یا آن کارخانه و بخش تولیدی و خدماتی محدود نشود و تمام کارگران و بخش های کارگری را زیر پوشش خود قرار دهد و بتواند نقش فعالی در زائل سازی دغدغه های کارگر اعتصابی ایفا کند، از ملزومات پیشرفت جنبش کارگری در لحظه کنونی است.

### یک جمع بست کوتاه

با اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، جنبش کارگری گام بلند دیگری به جلو برداشت. اعتصاب کارگران شرکت واحد البته با کاستی های ناشی از اشتباهات ناخود آگاه سندیکای کارگران شرکت واحد که گاه از عدم احاطه بر شرایط و عدم شناخت دقیق از توازن قوا در یک لحظه مبارزاتی ناشی می شود، همراه بود. اما این کاستی ها در برابر تجارب و دستاوردها و به ویژه در برابر عظمت اقدامات متحدانه کارگران شرکت واحد و در برابر روحیه عالی همبستگی و رزمندگی کارگران و فعالان سندیکا و بالاخره در برابر سازماندهی یک اعتصاب بزرگ چند هزار نفره که تاثیرات آگاهی دهنده ای بر کل جامعه برجای گذاشت، قطعاً بسیار ناچیز است. جمهوری اسلامی- صرف نظر از ماهیت ضد دمکراتیک آن- البته نمی توانست باخواست کارگران موافقت کند و سندیکای مستقل کارگران را به رسمیت بشناسد. به این دلیل ساده که اگر چنین می کرد، در عمل انبوهی از کارگران دیگر بخش های کارگری رانیز به برپائی تشکل های مستقل خود ترغیب می کرد و راه را برای مبارزات کارگران در ابعادی وسیع تر و گسترده تر می گشود!

با اعتصاب کارگران شرکت واحد، گرچه این اعتصاب سرکوب شد و کارگران به خواست های خود نرسیدند، اما دور جدید مبارزات کارگری و اعتلاء جنبش کارگری که از سقز آغاز شده بود، در تهران وارد فاز و مرحله نوینی گردید. این

یک مرحله گذار از حرکت های کوچک به لحاظ کمی و عمدتاً بیرون از محیط کار، به اقدامات بزرگ و توده ای در مقیاس چند هزار نفره است. اعتصاب کارگران شرکت واحد و پی گیری آنان برای ایجاد سندیکای مستقل خود و حمایت سایر تشکل ها و جمع های کارگری از این اعتصاب، به روشنی حاکی از رشد و ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران و به مفهوم آن است که کارگران بیش از پیش به منافع طبقاتی خود به عنوان یک طبقه با اهداف و منافع مستقل از سایر طبقات پی می برند.

پیشرفت بیشتر جنبش طبقاتی کارگران در گرو برداشتن گام های عملی و مشخص است. اعتصاب کارگری در هر بخش باید از طریق اعتصاب در سایر بخش های کارگری مورد حمایت قرار بگیرد. بدون پشتوانه مالی، کارگران نمی توانند اعتصابات دراز مدت و موثری را سازمان دهند. لذا صندوق اعتصاب یک نیاز مبرم پیشرفت جنبش کارگری در لحظه کنونی است.

اگر این دو نیاز مهم و مبرم جنبش کارگری پاسخ مثبت بگیرد، کارگران مبارز ایران که از هم اکنون نیز از طریق سازمان یابی و ایجاد تشکل های مستقل خود، حضور فعال سیاسی خویش را به پهنه جامعه کشانده اند و از این ظرفیت برخوردارند تا نقش بی همتای خود را در تحولات آینده جامعه ایفا کنند، گام دیگری به پیش برای ایفای این نقش تعیین کننده و انجام رسالت تاریخی خود برداشته اند.

مدرج در نشریه کار ۴۷۱ - نیمه دوم بهمن ۱۳۸۴